

# پیر تعلیم

## صد و ده استقبال از قصیده شینه خاقانی

سید رضا باقریان موحد

مراد پیر تعلیم است و من طفل زبان دانش  
دم تسلیم سر عشر و سرزانو دستاش

چکیده

قصیده مرآت الصفا مشهور به قصیده شینه یکی از مهمترین قصاید خاقانی است که بارها مورد توجه و استقبال شاعران واقع شده است. این قصیده حاوی نکات اخلاقی و حکمی و عرفانی است که جنبه تعلیمی و آموزشی بسیاری دارد.

در طول تاریخ ادبیات فارسی، شاعران بسیاری بر این چکامه نظیره سروده‌اند. به گفته امری شیرازی (قرن دهم)، نظامی گنجوی اولین شاعری است که بر این قصیده، نظیره ساخته بوده که متأسفانه به دست ما نرسیده است.

در تحقیق حاضر، پس از جستجو و تتبع در دوایست دیوان چاپی و خطی فارسی، فهرست بیش از ۱۱۰ استقبال از این قصیده در سبک‌های مختلف (خراسانی، آذربایجانی، عراقی، هندی و بازگشت) آمده است.

**کلید واژه:** سبک شناسی شعر فارسی، خاقانی، قصیده شینیه، استقبال.



#### مقدمه

قصیده مرات الصفاى خاقانى که با نام <قصیده شینیه> شهرت یافته است از همان آغاز سرایش تاکنون مورد توجه بیشتر شاعران به ویژه شاعران عارف مسلک قرار گرفته است و استقبال‌های بسیاری از آن صورت گرفته که در طول تاریخ ادبیات فارسی کم نظیر است.

از آنجا که در طول تاریخ ادبیات فارسی از آغاز تا امروز، استقبال‌های بسیاری از قصیده شینیه خاقانی صورت گرفته بنابراین ضرورت دارد که در قالب یک پایان نامه دانشگاهی، اولاً فهرستی از تمامی استقبال‌های انجام شده و ثانیاً گزارشی از بررسی و تحلیل تطبیقی آنها ارائه شود تا هم بخشی از تاریخ ادبیات ما حفظ شود و هم این که بر احیای برخی از سنت‌های شعری مانند استقبال از اشعار تأثیر گذار و مهم و نقش سازنده آن در جریان‌های ادبی تاکید شود.

#### پیشینه تحقیق

مقاله عالمانه استاد سید ضیاءالدین سجادی با عنوان <سیر یک قصیده در نه قرن> چاپ شده در **نامه مینوی**، نخستین تحقیقی است که درباره معرفی استقبال کنندگان از این قصیده نوشته شده است. بعدها دکتر حسن ذوالفقاری در مقاله‌ای با عنوان <پیر تعلیم> چاپ شده در فصلنامه فرهنگ (شماره ۵۸-۵۷، بهار و تابستان ۱۳۸۵) به معرفی ۲۳ تن از استقبال کنندگان این قصیده پرداخته است.

## مفهوم شناسی استقبال

«استقبال در لغت به معنای پیشباز رفتن، روی آوردن، روی کردن، به پذیره شدن و پیش رفتن است.»

(دهخدا، ۲۱۷۴، ۱۳۷۱)

در اصطلاح ادبی به معنای آن است که «شاعر به وزن و قافیه شعری از شاعری دیگر، نظمی پردازد.»

(میر صادقی، ۲۶، ۱۳۸۵)

به تعبیر دیگر: آن است که «شاعری، شعر شاعر دیگری را سرمشق قرار دهد و با تقلید وزن و قافیه آن شعری بگوید.» (مصاحب، ۱۳۸۰، ۲:۱۲۹)

یا آن است که «گوینده، شعری را از شاعری دیگر سرمشق خود قرار دهد و قافیه و وزن سروده وی را در سروده خود به کار گیرد و ممکن است در موضوع نیز از وی پیروی کند.»

(همایی، ۱۳۷۵، ۴۰۳)

یا آن است که شاعری در جواب سروده شاعر دیگر شعری بر وزن و قافیه آن بسراید.

(اسفندیار پور، ۱۳۸۴، ۲۴۶)

استقبال را گاه با تعبیری همچون استعانت، تضمین، تقلید، نظیره، درج، تتبع، اقتدا و اقتفا هم معنا دانسته‌اند.

استقبال در ادب فارسی سابقه‌ای دیرینه و رواج بسیار دارد و یکی از تفنن‌های مورد علاقه شاعران محسوب می‌شده است. به عنوان مثال این شعر رودکی از همان آغاز تاکنون مورد توجه شاعران بوده است:

### رودکی

بوی جوی مولیان آید همی      یاد یار مهربان آید همی

### معزی

رستم از مازندران آید همی      زین ملک از اصفهان آید همی

## مولوی

بوی باغ و گلستان آید همی      بوی یار مهربان آید همی

## حیرت

چون که باد جاجرود آید همی      اشک از چشمم چو رود آید همی  
(معین، ۱۳۷۳، ۱۰۳)

اشعار خاقانی به ویژه قصاید فنی و پر نکته او از دیرباز تاکنون مورد توجه شاعران بزرگ بوده است و استقبال‌های بسیاری از آنها شده است که در نوع خود در ادبیات فارسی بی‌نظیر است. قصاید <یوان مداین> و <مرآت الصفاک>ی خاقانی از نظر تعداد استقبال‌ها و تاثیر بر خوانندگان و شاعران بی‌مانند هستند.

همچنین بسیاری از غزلیات حافظ در استقبال از اشعار سعدی و خواجه‌ی کرمانی سروده شده است:

غزلیات حافظ که در استقبال از شاعران پیشین سروده شده از نمونه‌های موفق استقبال محسوب می‌شود.

(میر صادقی، ۱۳۸۵، ۲۶)

قصیده جغد جنگ اثر ملک الشعرا محمدتقی بهار، استقبال هنرمندانه‌ای از یک قصیده منوچهری است که آن قصیده نیز به استقبال قصیده‌ای از یکی از شاعران عرب به نام <عتب بن ورقاء شیبانی> (م ۷۷ق) سروده است.

(میر صادقی، ۱۳۸۵، ۲۶)

## منوچهری

فغان از این غراب بین و وای او      که در نوا فکندمان نوای او

## بهار

فغان ز جغد جنگ و مرغوای او      که تا ابد بریده باد نای او

### اهمیت قصیده شینیه خاقانی

قصیده مرآت الصفا مشهور به قصیده شینیه از مهمترین قصاید خاقانی است که همیشه مورد توجه و استقبال شاعران واقع می‌شده است. این قصیده حاوی نکات اخلاقی و حکمی و عرفانی است که جنبه تعلیمی و آموزشی بسیاری دارد.

دکتر زرین کوب درباره اهمیت این شعر می‌گوید: قصیده‌ای است در حکمت و سیر نفس و این قصیده را مرآت الصفا خوانند. قصیده به طور رمزی به بیان بسیار لطیف شاعرانه مراتب تکامل نفس انسان را شرح می‌کند. (زرین کوب، ۱۳۷۸، ۱۲۸)

محقق برجسته ادبیات آذری، سلطائف درباره زندگی و شعر خاقانی تحقیقات بسیاری انجام داده می‌نویسد: یکی از چکامه‌های مشهورش قصیده شینیه‌ای است که به مرآت الصفا نامبردار شده است. این چکامه که همیشه در سرآغاز نسخه‌های خطی دیوانش نوشته شده صدو ده بیت دارد.

ابوالقاسم امری شیرازی (قرن دهم) از دیگر شاعرانی است که خاقانی را استاد خود دانسته است و بر این چکامه نظیره سروده است. به گفته امری شیرازی پیش از شاعر نظامی گنجوی بر این قصیده نظیره ساخته بود. ما اکنون سروده نظامی را در دست نداریم.

(سلطائف، ۱۳۴۵، ۴۴)

### شینیه‌های قبل از خاقانی

خاقانی، آغاز کننده سرودن قصیده بر این وزن و قافیه نبود. ناصر خسرو اولین شاعری است که قصیده‌ای نغز و پر نکته بر این وزن و قافیه سرود اما قصیده‌ای که خاقانی سرود باعث نشر بسیار زیاد و استقبال کم نظیر شاعران از آن شد و این مطلبی است که بیشتر شاعران استقبال کننده به آن اشاره نموده‌اند.

ناصر خسرو (۳۹۴-۴۸۱ق)

چه بود این چرخ گردان را که دیگر گشت سامانش

به بستان جامه زربفت بدریدند خوبانش

(ناصر خسرو، ۱۳۸۱، ۲۶۲)

### امیر معزی ( - ۵۲۰ق)

همی جویم نگاری راکه دارم چون دل و جانم

همی خواهم که یک ساعت توام دیدن آسانم

(امیر معزی، ۱۳۶۲، ۹۶)

### ادیب صابر ترمذی ( - ۵۴۲ق)

دلم عاشق شدن فرمود و من بر حسب فرمانم

در افتادم بدان دردی که پیدا نیست درمانم

(ادیب صابر، ۱۳۷۴، ۷۷)

### عثمان مختاری (۴۵۸-۵۴۴ق)

مسلمان کشتن آیین کرد چشم نامسلمانم

به ترک ناوک مژگان که پر زهر است پیکانم

(عثمان مختاری، ۱۳۸۷، ۲۳۷)

### سید حسن غزنوی ( - ۵۵۶ق)

گهر بر زر همی بارم ز یاقوت در افشانم

شدم چون ذره سایه زخورشید درخشانم

(سید حسن غزنوی، ۱۳۶۰، ۷۷)

### یوسف غزنوی (قرن ۶)

ز ماه آن دو رخ لعلی است در سیب زرخندانم

ز جام آن دو لب مستی است در زلف پریشانم

(هدایت، ۱۳۸۱، ۲۲۶۱)

### شینیه‌های پس از خاقانی

#### شمس طبسی ( - ۶۲۴ق)

طراز کسوت روز است گیسوی زره سانم

زالال مشرب روح است لفظ گوهر افشانش

(شمس طبسی، ۴۷، ۱۳۷۱)

### سیف‌الدین اسفرنگی (۶۶۶-۵۸۱ق)

چه تیر است آن ز بیجاده که هست از لعل پیکانش

چه روح است آن زر اندوده سنان از شاخ مرجانش

خرد خطی است نورانی و لوح ارواح انسانش

نوشته در زبور و هم عشر آیات برهانش

(سیف اسفرنگی، ۱۳۷۵، ۲۹۴)

### فرید اصفهانی (قرن ۷)

چو برزد سر زمرد رنگ خطی از دور مرجانش

فدا کردند عشاق از دلو دیده دو مرجانش

(فرید اصفهانی، ۱۰۱، ۱۳۸۲)

### امیر خسرو دهلوی (۶۵۱-۷۲۵ق)

دلم طفل است و پیر عشق، استاد زبان دانش

سواد الوجه سبق و مسکنت کنج دبستانش

(امیر خسرو دهلوی، نسخه خطی)

### خواجوی کرمانی (۶۸۹-۷۵۳ق)

چه کاخ است این که کیوان است جفت طاق ایوانش

قمر خستی ز دیوارش فلک رکنی ز ارکانش

(خواجوی کرمانی، ۱۳۷۴، ۶۱)

### خواجه عصمت بخارایی (۸۴۰ق-)

دلآرامی که بیمارم ز چشم نامسلمانش

اگر تیرم زند سازم چو جان در سینه پنهانش

(عصمت بخارایی، ۱۳۶۶، ۱۴۵)

### عبد الرحمن جامی (۸۹۸ق-)

معلم کیست عشق و کنج خاموشی دبستانش

سبق نادانی و دانا دلم طفل سبق خوانش

(جامی، ۱۳۷۸، ۵۶)

### امیر علیشیر نوایی (۹۰۶-ق)

معلم عشق و پیر عقل شد طفل دبستانش

فلک دادن بهر تأدیب وی اینک چرخ گردانش

(نوایی، نسخه خطی)

### امیر سلطان حسن ختمی (قرن نهم)

مرا پیر خرد، عشق است و دل، طفل سبق خوانش

فلک چون تخته تعلیم طفلان دبستانش

(ختمی، نسخه خطی)

### غواصی هروی (قرن نهم)

دلم بحری است پر گوهر که پیدا نیست پایانش

منم غواص این دریابین درهای غلطانش

(غواصی، نسخه خطی)

### شهیدی قمی (قرن ۹)

چو قمری هر که عاشق گشته بر سرو خرامانش

نمی آید فراهم تا ابد چاک گریبانش

(مجاهدی، ۱۳۸۷، ۱۹۸)

### مولانا نور (قرن ۹)

تو را نیلوفری پیراهن و من مانده حیرانش

که سر بر می زند خورشید تابان از گریبانش

(نوایی، ۱۳۷۷، ۱۰۰)

### یوسف بدیعی (قرن ۹)

دُر مقصود جویان مجمع البحرین شد صوفی

که بحری پر دُر است از چشمه هر چشم گریبانش

(نوایی، ۱۳۷۷، ۲۲۲)

### میر محمد صالح (قرن ۹)

نیم آشفته گر پوشیده کاکل ماه تابانش

چه غم از تیرگی چو باشد صبح پایانش



(نوابی، ۱۳۷۷، ۲۸۳)

### شاه اسماعیل صفوی

چنان خوب است ماه عارض و چاه زنخدانش

که یوسف مبتلا گشته است و اسماعیل قربانش

(صفوی، ۱۳۸۷، ۶۴۸)

### غضنفر گلجاری قمی (قرن ۱۰)

کشیدم تیرش از دل تا برآید جان به قربانش

ولی چون عمر باقی بود در دل ماند پیکانش

(مجاهدی، ۱۳۸۷، ۲۵۰)

### هاشمی کرمانی میر جهانگیر (۹۴۶-ق)

معلم عشق و عارف طوطی و مرآت عرفانش

سبق معنی و صورت ابجد لوح دبستانش

(صفا، ۱۳۸۶، ۵: ۶۶۱)

### مثالی کاشانی (قرن ۱۰)

معلم عشق و بیت الله من کنج دبستانش

خط تقدیر نقش لوح طفلان سبق خوانش

(مثالی کاشانی، نسخه خطی)

### نور الله دهخوارقانی (۱۰)

معلم شاهد معنی و جان طفل سبق خوانش

سبق طومار و اندر من بود کنج دبستانش

(نور الله دهخوارقانی، نسخه خطی)

### امیر سهیلی (قرن ۱۰)

معلم گر نه عشق و پیر عقل آمد سبق خوانش

سر اندیشه جنبان چیست چون طفل دبستانش

(امیر سهیلی، نسخه خطی)

### نظام استر آبادی (۹۲۱-)

معلم کیست پیر عشق و دل طفل سبق خوانش

سبق و ارستگی ویرانه عزلت دبستانش

(نظام استرآبادی، نسخه خطی)

### مولانا رموزی کاشانی (۹۷۲ق)

مرا دل تخته تعلیم و روح آمد سبق خوانش

معلم عشق و وحدت درس و تن گنج دبستانش

(تقی الدین کاشی، ۱۳۸۷، ۷۰۳)

### ضمیری اصفهانی (۹۷۳ق)

معلم، پیر عشق و خلوت وحدت، دبستانش

سبق، اسرار توحید، عقل کل، طفل سبق خوانش

(تقی الدین کاشی، ۱۳۸۷، ۱۴۹)

### فضولی بغدادی (۹۱۲-۹۷۶ق)

دلم دُرُجی است اسرار سخن دُرهای غلطانش

فضای علم دریا، فیض حق باران نیسانش

(فضولی بغدادی، ۱۳۷۴، ۱۷)

### میرزا محمد حسابی (قرن ۱۰)

به خلوت پیر را حاصل چو نبود نور عرفانش

چه باشد زنده در گور گو آنجا برآ جانش

دلم از درد، بحری شد که پیدا نیست پایانش

عجب دردی که جان دادن بود مضمون درمانش

(حسابی، ۱۳۵۴، ۸۶)

### غزالی مشهدی (۹۳۶-۹۸۰ق)

معلم، عشق دانش سوز و عقل کل، زبان دانش

رقوم آفرینش، ابجد لوح دبستانش

(غزالی مشهدی، ۱۳۸۷، ۳۴)

### عرفی شیرازی (۹۹۹ق)

دل من باغبان عشق و حیرانی گلستانش

ازل دروازه باغ و ابد حد خیابانش

(عرفی شیرازی، ۱۳۶۹، ۶۵)

### فوجی نیشابوری (قرن دهم)

دل من خضر راه عشق و محرومی بیابانش

قدم چشم تر و خوناب حسرت آب حیوانش

(رستاخیز، ۱۳۸۲، ۲:۲۵۴)

### مولانا میر شادی (قرن ۱۰)

به لفظ خوب معنی درج کن ورنی چه حاصل زان

که یوسف برکشی از چاه و اندازی به زندانش

(نثاری، ۱۳۷۷، ۸۳)

### مولانا فروغی (قرن ۱۰)

فکنده غبغبی چون قرص مه خورشید تابانش

هلال عید را بنموده از طوق گریبانش

(نثاری، ۱۳۷۷، ۲۸۸)

### خواجه شعیب جوشقانی (قرن ۱۰)

ادیب عشق کآمد خلوت وحدت دبستانش

یکی گوی و یکی دانند طفلان سبق خوانش

(شعیب جوشقانی، نسخه خطی)

### صرفی کشمیری (۹۲۸-۱۰۰۳ق)

معلم خم بود یا دل قدح طفل سبق خوانش

سبق تاراج عقل و کنج میخانه دبستانش

معلم کیست استاد ازل آدم سبق خوانش

سبق تعلیم اسماء لنگر عزت دبستانش

(قند پارسی، ۱۳۷۹، ۳۵۲)

### ملک قمی ( - ۱۰۲۵ق)

دل استاد رموز و خامشی آیات برهانش

لالی پیکران وحی اطفال دبستانش

(ملک قمی، نسخه خطی)

### ظهوری ترشیزی (۱۰۲۶-ق)

معلم منشا توفیق و قصر دل دبستانش

مسائل اتحاد حسن و عشق و وصل برهانش

(ظهوری ترشیزی، نسخه خطی)

### شفائی اصفهانی (۱۰۳۷-ق)

معلم، فطرت عالی است من طفل زبان دانش

سبق، آیات عرفان، گوشه خاطر دبستانش

(شفائی اصفهانی، ۱۳۶۲، ۷۲)

### مسیح کاشانی (۱۰۶۶-ق)

بین دریای چشمم را و رود سیل مژگانش

مایور بر زبان دیگر حدیث نوح و طوفانش

(مسیح کاشانی، نسخه خطی)

### میرزا جلال اسیر (۱۰۲۹-۱۰۶۹ق)

کشد مو بر تن نخجیر تیر از شوق پیکانش

رود چون خون در اعضا لذت بیداد مژگانش

نم هر قطره در آشوب طوفان بسته پیمانش

دل هر ذره در تسخیر عالم بند فرمانش

وفا دشتی است گلزار بقا خار مغیلانش

هوس باغی است کام ازدها گلهای خندان

(اسیر لاهیجی، نسخه خطی)

### فیض کاشانی (۱۰۰۶-۱۰۹۱ق)

مرا جان سیر شد از دنیی و وضع پریشانش

دلیم بگرفت ازین گردون پا بر جای گردانش

(فیض کاشانی، ۱۳۸۱، ۳۲۰)

**مخفی هندوستانی (۱۰۴۸-۱۱۱۳ق)**

دلم دیوانه عشق است و حیرانی بیابانش  
 معلّم جذبه عشق است و خاموشی زبان‌دانش  
 دلم مرغ سحر خیز است و داغ سینه بستانش  
 شرار شعله آه و جگر سرو گلستانش  
 دل من بلبل عشق است باغ غم گلستانش  
 فنا دیوار آن باغ و بقا حدّ خیابانش  
 (مخفی، ۱۳۸۱، ۳۴۲)

**مولانا بیدل دهلوی (۱۰۵۴-۱۱۳۳ق)**

به این شوری که در سر دارم از سودای پنهانش  
 سر مویی اگر بالم جهان درّد گریبانش  
 سپهر بی سر و پا بس که مجهول است دورانش  
 ز هم دشوار گردیدست فرق گوی و چوگانش

امید اینجا به غارتگاه حسرت رفته سامانش  
 به هر دستی که دیدم پاره‌ای دارد ز دامانش  
 مشیت منحصر فهمید در ابداع عنوانش  
 فروغ جوهر آل نبی بر مهر تابانش  
 فلک عمری است می‌نازد به دور شوکت و شانش  
 بیا تا وانمایم اقتدار خان دورانش  
 (بیدل، ۱۳۴۲، ۱۴۰)

**وحید قزوینی ( -۱۱۲۰ق)**

دلم دریای عرفان است و اشکم درّ غلطانش  
 نفس‌ها جزر و مدش آه خونین شاخ مرجانش  
 (وحید قزوینی، نسخه خطی)

**وصال شیرازی (۱۱۹۷-۱۲۶۲ق)**

جدایی شد چو ابری پرده خورشید رخشانش  
 خروشم رعد و آهم برق و اشک دید بارانش  
 مرا پیری جوان بخت است و من طفل زبان دانش  
 شکسته زان سخن گویم که نغز آید ز طفلانش  
 (وصال شیرازی، بی تا، ۲۰۵)

**میرزا علاءالدین محمد (قرن ۱۱)**

به قتل بس که آید گرم تیغ برق جولانش  
 ز سر تا پا دود چون شعله یک زخم نمایانش  
 (نصرآبادی، ۱۳۸۶، ۱۴)

**مرتضی قلی خان (قرن ۱۱)**

ز بس خاموش بود از حرف قتل لعل خندان  
 تکلم سبز شد از پشت لب‌های سخندان  
 (نصرآبادی، ۱۳۸۶، ۱۴)

**ملا علی قلی خلخالی (قرن ۱۱)**

دل من طور معنی عشق او موسی عمران  
 تجلی جنون باشد عصا و عقل ثعبان  
 (نصرآبادی، ۱۳۸۶، ۱۴)

**محمد امین وقاری (قرن ۱۱)**

یکایک هرچه آن چشم سخنگو داشت پنهانش  
 به سرگوشی به حاجب گفت برگردیده مژگان  
 (نصرآبادی، ۱۳۸۶، ۱۴)

**مجیدا (قرن ۱۱)**

تن من کوه طور و دل درو موسی عمان  
 بود نفس دنی فرعون و من آیات بطلانش

(نصرآبادی، ۱۳۸۶، ۱۴)

### قائنی (۱۲۲۳-۱۲۷۰ق)

ز چشم خون فرو ریزد به یاد چشم فتانش  
پریشان خاطر از عشق گیسوی پریشانش  
فلک دوش از عروس خور تهی چون گشت دامانش  
چو عمان چهره شد پر دُر ز سیمین اشک غلطانش  
(قائنی، ۱۳۸۰، ۳۹۷)

### سروش اصفهانی (۱۲۲۸-۱۲۸۵ق)

نگار من که مه تیره است پیش روی رخشانش  
ستاند سرخی از لب عاریت لعل بدخشانش  
(سروش اصفهانی، ۱۳۳۶، ۳۷۹)

### ساقی خراسانی (۱۲۸۶ق)

تعالی داستانی را که <ماوحی> است دستانش  
تعالی الله شأنی را که قرآن است در شانش  
چه حاجت آن قلندر را که کیوان است ایوانش  
چه آفت آن سمندر را که نیران است بستانش  
(ساقی خراسانی، نسخه خطی)

### مدهوش تهرانی (۱۲۲۷-۱۲۸۸ق)

هلال عید کاو باشد ز بینش چشم پنهانش  
به پیش چشم اگر باشد کسی ابروی جانانش  
(مدهوش تهرانی، ۱۳۶۸، ۲۵۶)

### ریاض همدانی (قرن ۱۳ق)

جهان، زالی است دستناساز و حیرت زای دستانش  
که در خصم افکنی یکسان نماید زال و دستانش  
(ریاض همدانی، ۱۳۳۶، ۹۷)

### همای شیرازی (۱۲۱۲-۱۲۹۰ق)

جهان زالی است پر دستان مشو ایمن ز دستانش  
که گر رویینه تن باشی نباشی مرد میدانش

(همای شیرازی، ۱۳۶۷، ۳۱۹)

### وقار شیرازی (۱۲۳۲-۱۲۹۸ق)

مرا سخت از نهیب نوبه تن بگسست و ارکانش  
 چه درد است این نمی دانم که پیدا نیست درمانش  
 فلک بینی که چون هر روزه بر طوری است دورانش  
 تو پنداری که بر اندازه ننهادند بنیانش  
 تقو بر دانش و آن کس که رونق داد دگانش  
 که اقلیمی است در بی مایگی معروف سگانش  
 دلا بهراس از نیرنگ نفس و مکر و دستانش  
 که کردم آزمون صد ره فزون دیدم ز شیطانمش  
 (وقار، ۱۳۸۳، ۴۵۶)

### فخر الادباء (قرن ۱۳ق)

شبهانگام شاه اختران چون شد به ایوانش  
 فروهشتند شادروان ایوان پیشکارانش  
 (فخر الادباء، نسخه خطی)

### نشاطی مازندرانی (قرن ۱۳ق)

سر سردار باز از آسمان بگذشت کیوانش  
 که شه فرمان عنایت کرد در تایید خصمانش  
 (نشاطی، نسخه خطی)

### شکوه شیرازی

جهان بنگاه دیوان است و بر کژی است دیوانش  
 الا ای راهرو بهراس ازین بنگاه و دیوانش  
 (هدایت، ۱۳۸۱، ۷۷۷)

### عندلیب کاشانی

چه افسونی است اندر بابلی چاه زنخدانش  
 که دل هاروت سان با صد فسون مایل به زندانش



(هدایت، ۱۳۸۱، ۱۱۰۹)

### هدایت طبرستانی

تو گویی سهمگین دیوی به دامان قیر و قطران  
به گردون بر شد و از کف رها شد طرف طوفانش

(هدایت، ۱۳۸۱، ۱۸۷۴)

### جیحون یزدی (۱۲۵۰-۱۳۰۱ق)

خرد، طبل تحیر زن شبی خواندم به میدانش  
که واجب چیست مقصد زین تغیر زای امکانش  
جهان، فهرست ایجاد و سطور امصار ایوانش  
شه نشه نام یزدان، مدح مجد الملک عنوانش

(جیحون یزدی، ۱۳۶۳، ۱۳۵)

### ارسطوی قمی (قرن ۱۳ق)

جهان ماننده گنج است بر سر خفته ثعبانش  
هلا گر عاقلی بهراس ازین گنج و نگهبانش  
(مجاهدی، ۱۳۸۷، ۲۶)

### اختر طوسی (قرن ۱۳ق)

زهی شاهی که یزدان برگزید آن سان ز انسانش  
که انسان آمد از جان بنده فرمان برین سانش  
(اختر طوسی، ۱۳۵۵، ۴۵)

### تقی علی آبادی (قرن ۱۳ق)

قضا بس تیز چنگال است و سندان خای دندان  
ندانم غیر تسلیم و رضا کس مرد میدانش  
(علی آبادی، نسخه خطی)

### عبرت نائینی (۱۲۴۵-۱۳۲۱ق)

رخ او یوسف و چاه و رسن زلف و زنخدانش  
دل محزون من یعقوب و سینه بیت الاحزان

(عبرت، ۱۳۷۶، ۵۶۵)

### محمد کاظم صبوری (۱۲۵۹-۱۳۲۲ق)

زهی خلعت که آمد چرخ اطلس عطف دامانش  
 زهی خلعت که تابد نور اقدس از گریبانش  
 زهی عیدی همایون فر که پیروز است عنوانش  
 خهی روزی روان پرور که بهروز است هر آتش  
 بتی دارم که در فردوس پرورده است رضوانش  
 اسیر طره مشکین، دل حور است و غلمانش  
 (صبوری، ۱۳۴۴، ۲۹۹)

### صامت بروجردی (۱۲۶۳-۱۳۳۱ق)

جهان را دایه‌ای دان و خلاق جمله طفلانش  
 که جای شیر باشد دائما پر زهر پستانش  
 (صامت، ۱۳۸۳، ۲۷)

### شیخ رئیس قاجار (۱۲۶۴-۱۳۳۶ق)

مرا میخانه میدان دل و من مرد میدانش  
 که از خمخانه می جوید حریف آبدندانش  
 (شیخ رئیس، نسخه خطی)

### حیدری یزدی (قرن ۱۳ق)

جهان کاخی است بس دلکش ولی سست است بنیانش  
 فنا و رخنه و نقص و خرابی چار ارکانش  
 (یزدی، نسخه خطی)

### داوری شیرازی (۱۲۳۸-۱۲۸۳ق)

مرا این نفس دشمن بود بگرفتم گریبانش  
 به زنجیر خرد برستم و کردم به زندانش  
 یکی بیداست این دنیا که پیدا نیست پایانش  
 هزاران قافله هر سو روان اندر بیابانش  
 زمستان است و هر کس هست یاری در شبستانش  
 به از فصل بهاران می رود دور زمستانش

تعالی بخت میر پر هنر پور سخن دانش

که ایزد برتری‌ها داد بر امثال و اقرانش

(داوری، ۱۳۷۰، ۲۳)

### غافل مازندرانی (۱۳۱۰ق)

دلم سرگشته عشق است حیرانی بیابانش

طلب در پیش و مرگ اندر قفا امید پایانش

بنایی را که نبود عشق در بنیاد بنیانش

مباش اندر پی آبادیش بگذار ویرانش

(غافل مازندرانی، ۱۳۳۷، ۷۶)

### صفای اصفهانی (۱۲۶۹-۱۳۱۴ق)

مرا دل عرش یزدان است و من اجری خور خوانش

خوشا اجری خوری کارند خوان از عرش یزدانش

(صفای اصفهانی، ۱۳۷۲، ۵۵)

### ناصری کاشانی (۱۲۲۲-۱۳۱۶ق)

عروس خور شبان بنهفت چون رخسار تابانش

سپهر از سوگ هجرانش، ز غیرت گشت گریانش

(ناصری، ۱۳۸۰، ۷۳)

### شباب شوشتری (۱۲۵۰-۱۳۲۴ق)

بتی دارم که عهدی بسته با جان عقد مرجانش

که تا نام از جهان باقی است باشد جای در جانش

(شباب، ۱۳۸۵، ۴۴۸)

### نیر تبریزی (۱۲۴۷-۱۳۱۷ق)

تعالی الله از این کاخ فلک فرسا و بُنیانش

که سر بر اوج <او ادنی> زند قوسین ایوانش

(نیر، ۱۳۸۶، ۲۰۸)

### طرزی (۱۲۴۵-۱۳۱۸ق)

ز بس شور ملاحظت ریزد از لب‌های خندانش

نمک بار آورد ترسم نبات شکرستانش

(طرزی، ۱۳۸۱، ۷۲۳)

### آذری دامغانی ( -۱۳۲۷ق)

دلم دریا و غمهای پیایی موج طوفانش  
فضای سینه‌ام صحرا حوادث مار و ثعبانش  
(آذری، نسخه خطی)

### میرزاده عشقی (۱۳۱۲-۱۳۴۲ق)

خوشا اطراف تهران و خوشا باغات شمرانش  
خوشا شب‌های شمران و خوشا بزم مقیمان  
(میرزاده، ۱۳۵۵، ۳۵۴)

### رفعت سمنانی ( -۱۳۵۰ق)

مرا باغی است اندر جان که یک برگ است رضوانش  
مرا داغی است اندر دل که یک جزیی است نیرانش  
(رفعت، ۱۳۶۳، ۲۰۲)

### الهی قمشه‌ای (۱۲۸۰-۱۳۵۲ش)

خرد مرغ خوش الحان است و گیتی نغز بستانش  
جهان را کرده شیرین کام شورانگیز دستانش  
(الهی، ۱۳۷۸، ۴۲۱)

### غمگین اصفهانی (۱۲۸۰-۱۳۵۵ق)

گذر کن در مداین ای دل و بنگر در ایوانش  
بین کاین چرخ بی پروا چسان بنموده ویرانش  
(غمگین اصفهانی، بی تا، ۶۱)

### شکیب اصفهانی ( -۱۲۸۴)

به چشم عقل و دانایی جهان اجرام و ارکانش  
به نیروی دل آرایی بنا گردیده بنیانش  
بتی دارم که باشد نسبتی با حور و غلمانش  
بُود سرچشمه تسنیم در چاه زنخدانش  
بنایی گر بُود از آهن و فولاد بنیانش  
نماید چرخ سرگردان به دست جور ویرانش  
(شکیب اصفهانی، ۱۳۶۶، ۱۰۶)

### بلبل کابلی (۱۲۹۴-۱۳۲۳ش)

دل من یوسف مصر است من یعقوب کنعانش  
زبان و چشم و گوش و بینی و اعضاست إخوانش  
دل دیوانه‌ای دارم که مجنون است حیرانش  
سر شوریده‌ای دارم که گم گردیده سامانش  
(بلبل، ۱۳۸۶، ۱۴۰)

#### محمد ابراهیم ذکاء کابلی (۱۲۹۰-)

سر شوریده سودای جنون در جوف شریانش  
به نوع هرزه گردی عرصه صحرا خیابانش  
تفقد ساقیا در ده لبالب جام عرفانش  
از آن عرفان که در ساغر نماید عکس جانانش  
نگاه معرفت بگشا به درک صنع یزدانش  
که کی مبدای وحدت بود کی اخرای پایانش  
(ذکاء، بی تا، ۴۱۶)

#### طائی شمیرانی (۱۲۹۸-ش)

دلا وارسته شو از دور دهر و کید کیوانش  
نخواهی خویش را چون گوی گر غلطان به چوگانش  
(طائی، ۱۳۶۹، ۲۶۵)

#### خلیل الله خلیلی (۱۲۸۶-۱۳۶۶ش)

جهان باشد چو دریایی که پیدا نیست پایانش  
حوادث موج غلطانش، مصایب جوش طوفانش  
(خلیلی، ۱۳۸۵، ۱۴۹)

#### نفعی (؟)

دلم سرمست جام عشق و عقل کل زبانداش  
نگوید نشنود هر در جز از توحید یزدانش  
(عرفی، ۱۳۸۷، ۱۸۵)

#### قابل

دلی کز مکتب عشق و وفا یابی سبق خوانش  
بود حرف فنا درس نخستین دبستانش  
(ناشناس، نسخه خطی)

#### مایل بلخی (معاصر)

دلآرامی که من گشتم اسیر تیر مژگانش

دو عالم زنده می‌گردد ز لعل شکر افشانش  
(مایل، نسخه خطی)

محمد اکبر کابلی (معاصر)

کمان ابرو بتی دارم که از نیرنگ چشمانش  
هزاران دل شده آماجگاه تیر مژگانش  
(کابلی، نسخه خطی)

مسرور بلخی (معاصر)

به دوران هر که را بینی جفا و جور دورانش  
به هر دوری ز دواری زند دوری به دورانش  
(بلخی، نسخه خطی)

گوهری هروی

دل‌م گنجینه درد است و اشک چشم درمانش  
(گوهری، نسخه خطی)

فوخ (?)

دل من نوح دریای غم است و گریه طوفانش  
(گوهری، نسخه خطی)



## منابع

### الف: کتاب‌های چاپی

۱. اسفندیار پور، هوشمند (۱۳۸۴)، *عروسان سخن*، تهران، فردوس، چاپ دوم.
۲. افشار، ایرج (۱۳۶۱)، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملک*، مشهد، آستان قدس رضوی.
۳. الهی قمشه‌ای (۱۳۷۸)، *دیوان*، به کوشش حسین الهی قمشه‌ای، تهران روزنه، چاپ سوم.
۴. امیر معزی (۱۳۶۲)، *دیوان امیر معزی*، به کوشش ناصر هیری، تهران، مرزبان.
۵. بلبل کابلی (۱۳۸۶)، *دیوان اشعار حضرت علامه سید کاظم بلبل کابلی*، به کوشش عبد الواحد مسعودی، قم، مولف.
۶. بیدل دهلوی (۱۳۴۲)، *کلیات ابو المعالی میرزا عبد القادر بیدل*، کابل.
۷. تقی‌الدین کاشی، محمد بن علی (۱۳۸۷)، *خلاصه اشعار و زبده الافکار*: بخش اصفهان، تصحیح عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب.
۸. تقی‌الدین کاشی، محمد بن علی (۱۳۸۷)، *خلاصه اشعار و زبده الافکار*: بخش کاشان، تصحیح عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب.
۹. جامی، عبد الرحمن (۱۳۷۸)، *دیوان جامی*، تصحیح اعلا خان افصح‌زاده، تهران، میراث مکتوب.
۱۰. جیحون یزدی (۱۳۶۳)، *دیوان جیحون یزدی*، تصحیح احمد کرمی، تهران، ما.
۱۱. حسابی، محمد میرزا (۱۳۵۴)، *دیوان حسابی*، به کوشش حسین محبوبی اردکانی، تهران، دانشگاه تهران.
۱۲. خاقانی شروانی (۱۳۳۸)، *دیوان*، تصحیح سید ضیاءالدین سجادی،

- تهران، زوار.
۱۳. خاقانی شروانی (۱۳۷۹)، *دیوان خاقانی*، به کوشش جهانگیر منصور، تهران، نشر گل آرا.
۱۴. خسرو دهلوی (۱۳۸۰)، *دیوان امیر خسرو دهلوی*، تصحیح اقبال صلاح الدین، مقدمه محمد روشن، نگاه.
۱۵. خلیلی، خلیل الله (۱۳۸۵)، *دیوان*، به کوشش محمد کاظم کاظمی، تهران عرفان.
۱۶. خواجوی کرمانی (۱۳۷۴)، *دیوان*، به کوشش سعید قانع، بهزاد.
۱۷. داوری شیرازی، محمد (۱۳۷۰)، *دیوان*، تصحیح دکتر نورانی وصال، وصال.
۱۸. رستاخیز، سید عباس (۱۳۸۲)، *منتخب الاشعار فی مناقب الابرار*، تهران، محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی.
۱۹. رفعت سمنانی (۱۳۶۳)، تصحیح نصرت الله نوح، بامداد.
۲۰. رودکی سمرقندی (۱۳۷۶)، بر اساس نسخه سعید نفیسی، ی. براگینسکی، نگاه، چاپ دوم.
۲۱. ریاض همدانی (۱۳۳۶)، *دیوان ریاض همدانی*، به کوشش سید حسین مشکان طبسی، تهران کتابفروشی فروغی.
۲۲. زرین کوب، عبد الحسین (۱۳۷۸)، *دیدار با کعبه جان* (درباره زندگی آثار و اندیشه خاقانی)، تهران، سخن.
۲۳. زیب النساء (۱۳۸۱)، *دیوان زیب النساء*، تحقیق مهین دخت صدیقیان و ابوطالب میر عابدینی، تهران، امیر کبیر.
۲۴. سروش اصفهانی (۱۳۳۶)، *دیوان سروش اصفهانی*، به کوشش محمد جعفر محبوب، مقدمه جلال الدین همایی، تهران، امیر کبیر.
۲۵. سیف الدین اسفرننگی (۱۳۵۷)، *دیوان سیف الدین اسفرننگی*، تصحیح زبیده صدیقی، مولتان پاکستان، وزیر اعوان قومی ثقافتی مرکز بهبود.
۲۶. شہاب شوشتری (۱۳۸۵)، *کلیات*، به کوشش مرتضی بدخشان و عبدی



- محمد عقیف، دزفول، دار المومنین.
۲۷. شفائی اصفهانی (۱۳۶۲)، *دیوان حکیم شفائی اصفهانی*، به کوشش لطفعلی بنان، تبریز، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی.
۲۸. شکیب اصفهانی (۱۳۶۶)، *دیوان*، مقدمه جلال الدین همایی، اصفهان، مشعل.
۲۹. صفا، ذبیح الله (۱۳۸۶)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران، فردوس، چاپ هفتم.
۳۰. صفای اصفهانی (۱۳۷۲)، *دیوان حکیم صفای اصفهانی*، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران، اقبال، چاپ سوم.
۳۱. طائی شمیرانی (۱۳۶۹)، *کلیات دیوان طائی شمیرانی*، تهران، مولف.
۳۲. طرزی (۱۳۸۱)، *کلیات دیوان طرزی*، به کوشش ننگیالی طرزی، تهران، برگ زیتون، ۱۳۸۱.
۳۳. عبرت نائینی (۱۳۷۶)، *دیوان*، تصحیح مجتبی برزآبادی فراهانی، سنایی.
۳۴. عثمان مختاری (۱۳۸۷)، *دیوان* به کوشش جلال الدین همایی، تهران، علمی و فرهنگی.
۳۵. عرفی شیرازی (۱۳۶۹)، *دیوان عرفی شیرازی*، به کوشش جواهری، تهران، سنایی، چاپ سوم.
۳۶. عصمت بخارایی (۱۳۶۶)، *دیوان*، به کوشش احمد کرمی، ما.
۳۷. غافل مازندرانی (۱۳۳۷)، *دیوان*، تهران، کتابفروشی بوذرجمهری مصطفوی.
۳۸. غزالی مشهدی (۱۳۸۷)، *دیوان غزالی مشهدی* (آثار الشباب)، تصحیح حسین قربانپور آرانی، تهران، علمی و فرهنگی.
۳۹. غزنوی، سید حسن (۱۳۶۰)، *دیوان سید حسن غزنوی*، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، اساطیر.
۴۰. غمگین اصفهانی (بی تا)، *دیوان*، کوشش مجید اوحدی یکتا، مقدمه جلال الدین همایی، بی جا، چاپخانه سپهر.

۴۱. فضولی بغدادی (۱۳۷۴)، *دیوان فارسی حکیم محمد فضولی*، به کوشش حسیبه مازی اوغلو، تهران، دبیرخانه کنگره بزرگداشت فضولی.
۴۲. فیض کاشانی (۱۳۸۱)، *کلیات علامه ملا محمد محسن فیض کاشانی*، تصحیح مصطفی فیض کاشانی، قم، اسوه.
۴۳. قآنی (۱۳۸۰)، *دیوان حکیم قآنی*، به کوشش امیر حسین صانعی خوانساری، تهران، نگاه.
۴۴. م. سلطائف (۱۳۴۵)، *افضل‌الدین خاقانی شروانی*، به کوشش ترجمه ح. صدیق، تهران، آذر.
۴۵. محمد معین (۱۳۸۵)، *حواشی دکتر معین بر اشعار خاقانی شروانی*، به کوشش سید ضیاء‌الدین سجادی، تهران، پازنگ.
۴۶. مدهوش تهرانی (۱۳۶۸)، *دیوان*، به کوشش احمد کرمی، تهران ما.
۴۷. مسیح کاشانی (۱۳۷۸)، *شرح احوال و بررسی آثار و گزیده اشعار مسیح کاشانی*، به کوشش امیر علی آذر طلعت، تهران، سروش.
۴۸. مصاحب (۱۳۸۰)، *دائرة المعارف فارسی*، تهران، کتابهای جیبی.
۴۹. معدن کن، معصومه (۱۳۸۸)، *بزم دیرینه عروس (شرح پانزده قصیده از دیوان خاقانی)*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چ پنجم.
۵۰. میر صادقی، میمنت (۱۳۸۵)، *واژه نامه هنر شاعری*، تهران، کتاب مهناز، چاپ سوم.
۵۱. ناصر خسرو (۱۳۸۱)، *دیوان ناصر خسرو*، مقدمه سیدحسن تقی‌زاده، تهران، نشر آزاد مهر و نگاه.
۵۲. ناصری کاشانی (۱۳۸۰)، *دیوان حسن ناصری کاشانی*، تصحیح سید علی اصغر صائم کاشانی، تهران، تالار کتاب.
۵۳. نثاری بخاری (۱۳۷۷)، *مذکر احباب*، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران، نشر مرکز.
۵۴. نواب شیرازی، علی اکبر (۱۳۷۱)، *تذکره دلگشا*، تصحیح منصور رستگار

- فسایی، شیراز، نوید شیراز.
۵۵. نوایی، امیر علی شیر (۱۳۷۷)، *مجالس النفائس*، تصحیح علی اصغر حکمت، تهران، منوچهری.
۵۶. نوایی، امیر علی شیر (۱۹۹۳)، *دیوان فارسی امیر علی شیر نوایی*، به کوشش علی محمدی، تاجیکستان، دوشنبه، عرفان.
۵۷. نیر تبریزی (۱۳۸۶)، *دیوان*، به کوشش بهروز ثروتیان، تهران نشر بین الملل.
۵۸. هدایت (۱۳۸۱)، *مجمع الفصحاء*، تهران، امیر کبیر.
۵۹. همای شیرازی (۱۳۶۷)، *دیوان همای شیرازی (شکرستان)*، به کوشش احمد کرمی، تهران، ما.
۶۰. همایی (۱۳۷۵)، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران، هما.
۶۱. وصال شیرازی (بی تا)، *کلیات وصال شیرازی*، به کوشش محمد عباسی، تهران، کتابفروشی فخر رازی.
۶۲. وقار شیرازی (۱۳۸۳)، *دیوان وقار شیرازی*، تصحیح داریوش کاظمی، کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی.

### ب: نسخ خطی

۱. جنگ اشعار به شماره ۵۲۲۰ کتابخانه ملی ملک تهران.
۲. جنگ اشعار به شماره ۵۳۶۷ کتابخانه ملی ملک تهران.
۳. جنگ اشعار به شماره ۶۴۴۳ کتابخانه ملی ملک تهران.
۴. جنگ اشعار به شماره ۶۴۴۸ کتابخانه ملی ملک تهران.
۵. جنگ اشعار به شماره ۹۹۰ کتابخانه مجلس تهران.
۶. جنگ اشعار کتابخانه شخصی سید احمد بهشتی تهران.
۷. جنگ اشعار کتابخانه شخصی سید عباس رستاخیز قم.
۸. جنگ قصاید به شماره ۸۱۳۶۰۸ کتابخانه ملی تهران.
۹. خزاین القصیده به شماره ۴۹۹۲ کتابخانه مجلس تهران.

۱۰. دیوان ظهوری، کتابخانه شخصی سید عباس رستاخیز قم.
۱۱. دیوان فوجی نیشابوری، کتابخانه شخصی سید احمد بهشتی تهران.
۱۲. دیوان میرزا جلال، کتابخانه شخصی سید عباس رستاخیز قم.
۱۳. دیوان نظام استرآبادی به شماره ۹۲۶۴ کتابخانه مجلس تهران.
۱۴. هزار قصیده، گوهری هروی، کتابخانه مرکز احیای میراث اسلامی قم.

